

به غربی ها متکی
شویم، بدتر از
طالبان را برای ما
خواهند آورد

پیداری

ماهنامه ی شماره ی ۱۲۶ کانون خردمداری ایرانیان
سال بیست و دوم - بهمن ماه ۲۵۸۰ ایرانی - ۱۴۰۰ عربی

درمان همه دردها
در وضع حاضر اتحاد
مخالفان رژیم است
که وجود ندارد!

در این روزهای حساس سیاسی ایران، اپوزیسیون رنگارنگ ما در بیرون از کشور چکار می کند؟

در روزهایی که ترس مردم در حال ریختن است و در خیابان ها به آخوندها سیلی
و پس گردنی می زنند و عمامه ها را زیر پا له می کنند. اپوزیسیون خود خواه و
بی تدبیر ما کجاست؟

گویی دیگر مردم چشم براه اپوزیسیون مجازی نیستند و خود تصمیم به براندازی حکومت
اسلامی گرفته اند. اینک مرحله پیشروی مردم و عقب نشینی ملایان فرا رسیده است.
امیدواری ما به خیزش همگانی هیچگاه تا این حد نبوده که امروز به آن رسیده ایم.
پر توان باد اراده مردم رنجدیده در سرنگون کردن حکومت اسلامی

اسماعیل وفا یغمائی

عاشورای ایرانی در برابر عاشورای دشمن آخرین بخش تلخ تاریخ

در پایان مقاله شماره پیش نوشتیم، امروز ایرانیان به جای برپا کردن
عاشورای آریوبرزن، سپهسالار دلاور ایران و خواهر قهرمانش «یوتاب»
هر ساله (۱۳۰۰ سال است) عاشورای دشمن خود یکی از سرداران عرب
را به نام حسین ابن علی به عزا می نشینند و بر سر و کله خود می کوبند
بدون آنکه بدانند و بپذیرند که حسین پسر علی به همراه برادرش حسن
در کشتار خواهران و برادران ما در طبرستان، مازندران

مانده در رویه ۳

دکتر محمد علی مهرآسا کجاست؟

حتماً عده ای در انتظار دیدن نوشته های ارزشمند دکتر محمد علی
مهرآسا در این ستون هستند، خود ما هم چشم انتظار دریافت نوشته
های ایشان می باشیم. ولی همانطور که می دانید دکتر مهرآسا جوان
نازنین اش افسشین را در اثر یک بیماری سخت و بی درمان از دست داده
و به شدت افسرده و غمگین است و در چنین حالی انسان دستش به قلم
نمی رود. باید یکی دو شماره دیگر هم صبر کنیم تا زمان، این داروی
بسیاری از دردها به داد یار همیشگی ما برسد و به نوشتن روی آورد. به
این وسیله به ایشان و همسر فداکارش درود می فرستیم.

مهم- این مقاله را حتماً بخوانید

دیدگاه جدید دکتر عبدالکریم سروش درباره

اسلام و عرفان،

آنچه را که ما سال ها در مورد عرفان

ضدانسانی و اسلام ضد بشری گفتیم و برخی

باور نمی کردند

ابتدا هنگامی که گزارش سخنرانی آقای سروش را در «حلقه دیدگاه نو/ سرای گفت و شنود» خواندیم باور نکردیم واقعیت داشته باشد، چند روز بعد تفسیر نویسنده دیگر به نام آقای بهزاد کریمی منتشر شد که متوجه شدیم بلی آن گفتار باور نکردنی از خود آقای سروش مشهور به نواندیش دینی و عارف شناس نامدار می باشد. خلاصه ای از دیدگاه جدید این استاد دانشگاه و فیلسوف ایرانی که ایرانیان بسیاری را پس از دخالت او در بستن دانشگاه های ایران در آغاز کار انقلاب دشمن خود کرده است در زیر می خوانید که می تواند بر کل جامعه فرهنگی، دینی و عرفانی اثرات ژرفی بگذارد. سروش تا چندی پیش یکی از مسلمانان باورمند و عارف مسلکان برجسته بود که ناگهان ابتدا قرآن را رویاهای محمد خواند و گفت وحی نیست و اینک به گزارش آقای محمود فرجامی به سخنان جدیدتر سروش توجه فرمایید. - هفته ای که گذشت دکتر عبدالکریم سروش یک سخنرانی در جمع حلقه دیدگاه نو/ سرای گفت و شنود» داشت که جداً من را شگفت زده کرد. سروش در این سخنرانی آب پاکی را روی دست اسلام رحمانی و بلکه بخش عظیمی از مسلمین ریخت و گفت **اسلام دین رحمت و شفقت نیست**. دین سلطه است و جنگ و انتقام و اقتدار، اگر کلیت قرآن و سیره را در نظر بگیریم در می یابیم که آن ها هیچ ربطی به عشق و محبت و بردباری عیسی و مسیحیت که در قرآن تصویر می شود ندارد و محمد حتی زمانی که در مکه بود هر جا که می توانست وعده **انتقام و عذاب به آن ها می داد**.

شکنجه و تنبیه در اسلام و قرآن خدا چنان است که آتش بر جهنمیان نازل می کند و وقتی که گوشت شان سوخت باز گوشت نو می رویاند تا خوب طعم شکنجه الهی را بچشند. **کلاً قرآن کتاب خوف است** و محمد چنان که خود گفت، آمده بود تا بکشد نه مثل عیسی که بگوید طرف دیگر صورتم را هم

سیلی بزن. سروش به یکی از رخداد های صدر اسلام اشاره کرد، ماجرای دردناک و شرم آور ترور زنی که محمد را هجو کرده بود درست هنگامی که بچه شیرخوار زن در حال خوردن شیر مادر بود!... این تصوف و عرفان بود که بعدها توانست تا عشق و محبت و مدارا را (به دروغ) به اسلام تزریق کند (خیانتی که عرفا بر مردم خود کردند و یک دین جهنمی را رنگ و لعاب ایرانی زدند و همه را گمراه نمودند).

شگفتی بیشتر در سخنرانی سروش جایی بود که گفت باید به خاطر داشته باشیم که حتی در آثار عارف و صوفی بزرگی مثل مولوی هم هیچ مشکلی در کشتن کفار وجود ندارد. خصوصاً درباره طباطبایی عارف ایرانی گفت، آدمی که در سلوک شخصی اش بسیار ملایم بود در کتابش **المیزان چنان از احکام سر بریدن و نفی بلد و شکنجه و جهاد حمایت می کند** که آدمی را به حیرت می اندازد.

بقیه و ماجرای عرفان از سخنان سروش که یکی از عالمان و اندیشمندان اسلامی است در شماره بعد ...

ابراز همدردی

ماه پیش به دلیل حواس پرتی از درگذشت جوان هنرمند افشین مهرآسا فرزند عزیز دکتر محمد علی مهرآسا و فکر پایان یافتن انتشار بیداری، از اعلام درگذشت خانم شاهرخی که بیش از ۲۰ سال در تایپ بیداری مرا یاری داده بود با ماندنم که از آقای شاهرخی همسر خانم شاهرخی پوزش بسیار می خواهم.

و بدین وسیله درگذشت این بانوی مهربان را که تا آخرین روز زنده بودنش در بیمارستان نام بیداری از زبانش نمی افتاد و نگران بود که حالا چه کسی بیداری را تایپ خواهد کرد به آقای شاهرخی شوهر وفادار و یاور همیشه در کنارش تسلیت گفته و برای ایشان و فرزندان و بستگانش آرزوی صبوری دارم و امیدوارم خود ایشان سال های سال زنده و تندرست باشند.

خانم شاهرخی زحمت کش و وفادار، که دیگر در میان ما نیستی و آقای شاهرخی انسان فهیم و دوست داشتنی، که همه عمرتان را در تایپ کتابها و نشریاتی که نویسندگان آن ها بضاعت مالی خوبی نداشتند صرف کردید ما هرگز و هرگز محبت های شما را نسبت به بیداری و علاقه شما را برای ادامه انتشار آن فراموش نمی کنیم و بندرت اتفاق می افتاد تا هزینه ناچیز تایپ و صفحه بندی را به اصرار دریافت نمایید شما زن و مرد بزرگی بودید و هستید که در جامعه ما نمونه خوبی می باشید.

آقای شاهرخی تندرستی شما و فرزندان را از طبیعت توانا خواستارم.

سیاوش لشگری

خدا را ساختند که فقط بگویند، خدا گفته!

م- محمدی

عاشورای ایرانی در برابر عاشورای دشمن آخرین بخش تلخ تاریخ

مانده از رویه ی نخست

جای برپا کردن عاشورای حسینی و عزاداری یک سردار بیگانه و دشمن سعی کنیم عاشورای حسینی را به عاشورای آریوبرزن یادگار شرافتمند نیاکان خود و خواهرش یوتاب دلاور تبدیل کنیم و برگردانیم. این مهم وظیفه نخست هر ایرانی باید قرار گیرد تا حق به حقدار برسد و دامن تاریخ ایران از این لکه ننگ پاک گردد.

پایان

دکتر احمد ایرانی

پیدایش و تکامل دین

«ویلهم و وندت» روان شناس مشهور آلمانی درباره پیدایش دین می گوید: ریشه اندیشه های دینی را باید در ترس و وحشت انسان ها جستجو کرد.

یکی دیگر از روانشناسان به نام «مارت» نیز ریشه افکار دینی را عواطف و احساس های گوناگون بشر اولیه به ویژه احساس ترس و وحشت می داند.

بسیاری دیگر از روانشناسان اندیشمند می گویند چون در طبیعت پدیده های ترسناکی چون آتش فشان، رعد و برق، توفان، بیماری و مرگ در برابر انسان های اولیه دیده شد، نخستین اندیشه های دینی برای غلبه بر این ترس ها و چاره جویی در برابر این پدیده های طبیعی به وجود آمدند.

یکی از بزرگترین دین شناسان جهان به نام «جیمز فریزر» می گوید، نخستین بنیادگذاران اندیشه های دینی در دوران زندگی اولین انسان های پیش از تاریخ، گروهی از این انسان ها بودند که می توانیم آنان را «جادوگران و ساحران» دوران خود بنامیم (به عبارتی ساده تر دین توسط جادوگران دروغ پرداز ساخته شد) این جادوگران نه تنها پدیده های ترسناک را که موجب بیم و هراس مردم می شدند می شناختند بلکه ادعا می کردند که شیوه جلب محبت و رام کردن پدیده های ترسناک را نیز می دانند!

در بررسی پیدایش دین متوجه می شویم دین به معنای امروز در دوران پیش از تاریخ و اولیه وجود نداشته و روحانیان آن دوران بیشتر «ساحر»، «جادوگر»، «افسونگر»، «طلسم بند» و مانند این ها بوده اند تا به معنای روحانی که بعدها نامیده شدند.

این جادوگران حتی «حکیم و طبیب» جامعه خود بودند و می کوشیدند تا با خواندن وردها و چرخ زدن به دور بیمار او را درمان کنند.

پس از گذشت قرن ها از تکامل و دگرگونی، طبقه ساحر یا افسونگر نخستین روحانیان در بیشتر کشورهای جهان گردیدند.

ادامه دارد

امروز ستمگرانه و بیرحمانه دست داشتند. هم میهنان ما نمی دانند این خاندان کوچکترین علاقه و مهری به ایرانیان نداشتند و کشور ما از آن ها دشمن تر بخود در تاریخ ندیده است. در اینجا با شرح کوتاهی از آخرین ساعات نبرد آریوبرزن با اسکندر مقدونی به ماجرای غمبار و تاسف بار گوشه ای از تاریخ خونبار مبارزان راه آزادی پایان می دهیم. باشد که ایرانیان به خود آیند و در پاک کردن این یک لکه ننگ از زندگی پر اشتباه خود در مورد سرسپردگی به اعراب و دشمنان خود همت کنند.

در پایان روز دوازدهم اوت ۳۳۰ پیش از میلاد، «بندپارس» از اجساد آریوبرزن و خواهر دلاورش «یوتاب» و پنج هزار و چهل نفر جنگاور ایرانی که تا آخرین نفس برای دفاع از پایتخت جنگیده بودند پوشیده شده بود. اسکندر با عبور از روی اجساد به طرف پارسه و تخت جمشید حرکت کرد. در تخت جمشید نه تنها پایتخت بلکه شهرک های اطراف را هم به آتش کشیدند. بسیاری از ساکنان شهر پرسپولیس دست به خودکشی زدند. پدران و مادران ابتدا دختران خود را پیش از اینکه بدست سربازان دشمن بیفتند می کشتند سپس خود را نابود می کردند. مورخ نامدار «پلوتارک» می نویسد در غارت خزائن سلطنتی پنج هزار گاری و پنج هزار شتر تنها برای حمل خزائن شهر استخر مورد استفاده قرار گرفت.

در شهر تسخیر شده پایتخت هخامنشیان سربازان مقدونی در کنار اجساد مردان بر سر زنان و زینت آلاتشان با هم می جنگیدند و در تخت جمشید خرد کردن مجسمه ها و وسایل درون کاخ ادامه داشت. آتشی که از کاخ شاهان هخامنشی زبانه کشید مهر پایان بر حیات پرسپولیس نهاد و همراه با سرد شدن اجساد کشتگان دولت هخامنشیان برای همیشه به سردی گرایید و آتش اقتدار و ماندگاری اسکندر و پس از او دولت بیگانه سد و چند ساله سلوکیان غیر ایرانی آغاز شد.

اجساد سربازان ایرانی در «بند پارس» و توسط بومیان محلی در منطقه لرهای بختیاری دفن شدند، مردم جسد آریوبرزن را به بالای کوهی برده بر قله آن دفن کردند. گفته می شود آریوبرزن را در دامنه کوه «دنا» در فارس دفن کردند و بالاخره پس از هزار و اندی سال به اصرار مردم استان کهگیلویه و بختیاری تندیزی از آریوبرزن در شهر باشت از شهرهای کهگیلویه و بختیاری نصب شده بود که ماه پیش در اخبار گفته شد مسلمانان گمراه جمهوری ننگین اسلامی مجسمه را خرد کرده اند. سخن پایانی شماره گذشته بیداری را تکرار می کنم و به این داستان پرآه و اشک پایان می دهیم. هم میهنان ایران دوست هر کدام از ما وظیفه داریم به

سیاوش لشگری

بمانیم یا برویم

سپاس از آن ها که با خواندن نوشته ماه پیش «بمانیم یا برویم» واکنش سریع نشان دادند و ضمن تامین هزینه این شماره، ما را تشویق به ادامه کار کردند.

یکی از خوانندگان بیداری به نام سرباز گمنام تلفنی گفتند هر گاه خوانندگان بیداری برای هر شماره جمعاً یک هزار دلار بپردازند من به تنهایی ۵۰۰ دلار کمبود را تامین می کنم. با این همت والا و بخت بزرگی که نصیب مان گردید به اضافه آن شش نفری که سال ها است خودشان را مقید به پرداخت هر ماهه کرده اند، (خانم ر ۲۰، آقای الف ۲۵، خانم خ ۴۰، آقای ت ۱۰۰، آقای محمد خوارزمی نویسنده بیداری ۱۰۰ و دکتر جان رضاپور ۱۵۰ دلار، جمعاً ۴۳۵ دلار) و آن ها که سال ها است هر دو ماه یکبار کمک می کنند (دکتر سیروس و دکتر مهشید اسدی ۲۵۰ دکتر میم از سن دیاگو ۲۰۰ و آقای سلیمانی نویسنده بیداری ۲۰۰، که در ماه می شود ۳۲۵ دلار). سه تن از خوانندگان را هم داریم که هر شش ماه یکبار ما را یاری می دهند (خانم میم آقای ن هر دو از سن دیاگو هر کدام ۵۰ دلار و دکتر احمد ایرانی نویسنده بیداری هم هر سه چهار ماه یکبار ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار میفرستند. بقیه خوانندگان ماسالی یکبار تا دو سه سال یکبار کمک می کنند. همه اینها را که جمع کنیم ماهانه بطور متوسط ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ دلار می شود که تا ۱۵۰۰ دلار هزینه ماهانه فقط ۲۰۰ تا ۳۰۰ دلار کم داریم امید است این مبلغ را هم با پرداخت های سالانه و یا اگر کسی تقبل کند بدست آوریم که یک تا دو سال دیگر را که هنوز نفسی هست به یاری همدیگر بیداری را منتشر کنیم و در غربت کاری سودمند برای میهن مان انجام داده باشیم و به همراه یکدیگر نیز شاهد سقوط رژیم اهریمنی جمهوری اسلامی در ایران عزیزمان باشیم. ما بخود میبالمیم که در طول تاریخ بی سابقه است ماهنامه ای کوچک بدون داشتن آگهی و زرق و برق ۲۱ سال

با یاری مداوم و ممتد مردمی آینده نگر، روشنفکر و عاشق ایران بدون تعطیلی منتشر شده باشد. این نشانگر آن است که اگر مردم حرکت مثبت و سودمند میهنی ببینند حتما همکاری و همراهی می کنند. از همه شما سروران که از خود گذشتگی می کنید بی نهایت و بنام ایران سپاسگزاریم هم چنان که از نویسندگان ارزشمند و جان برکف بیداری که در برابر اندیشه های ضد بشری بی محابا قلم میزنند. پاینده ایران

خانم وجیهه الهویدر نویسنده عربستانی می نویسد

هنگامی که نمی توانی یک باغ در شهر خود پیدا کنی، ولی سر هر کوچه ای که نگاه می کنی یک مسجد می بینی بدان که در یک کشور اسلامی هستی! زمانی که می بینی مردم با همه ظواهر و دنگ و فنگ مدرن شان هنوز در قرون گذشته زندگی می کنند تعجب نکن، بدان که در یک کشور اسلامی هستی!

وقتی می بینی که دین مردم بر علوم کنترل دارد و مردم روحانیون را عالم و دانشمند خطاب می کنند، شگفت زده نشو، شما در یک کشور اسلامی هستی!

وقتی می بینی حاکمان کشورت هیچگاه از مسند قدرت پائین نمی آیند و هیچ کس هم حق ندارد از آن ها انتقاد کند ناراحت نشو تو در یک کشور اسلامی زندگی می کنی.

هرگاه می شنوی روحانیون کشورت می گویند دموکراسی کفر است ولی خودشان از هر فرصتی که دموکراسی فراهم کند استفاده می کنند تا قدرت خود را حفظ کنند، جای تعجب ندارد که بدانی تو در یک کشور اسلامی زندگی می کنی.

سخن کوتاه آنجا که دیدی زن نصف یک مرد ارزش دارد و ترس و وحشت در عمق چشم های مردم خانه کرده است بدبختانه شما در یک کشور اسلامی هستی!

نام نازنین شما

خوشحال می شویم نام کسانی را که به انتشار بیداری کمک می کنند ولی اجازه نداشتیم بنویسیم، در بالا هم فقط حرف اول نامشان را ذکر کردیم بطور کامل بنویسیم. اگر برایتان اشکالی ندارد و به ایران نمی روید اجازه دهید تا نام گرامی شما را نیز به عنوان اسپانسر در بیداری درج کنیم. در صورت موافقت لطفا اجازه خود را با ایمیل بما اطلاع دهید.

**حکومت ها در دو نوبت دست به
خشونت می زنند یک بار در بدو
استقرار و قدرت و بار دیگر در زمان
نابودی و هنگام ضعف**

هانآرنت

برگردان از محمد خوارزمی

مهندس فرخ رونقی - تهران

نویسنده سم هریس

روان شاد یعنی چه

امت مسیحی

من هنگامی که به نوشته های پس از مرگ برای گفتن تسلیت نگاه می کنم می بینم چند سالی است به جای گفتن روحش شاد که از قدیم رسم بود همه جا می گویند یا می نویسند روانش شاد یا روان شاد. چندی است با نوشته هایی مانند نشریه شما که در اینترنت دنبال می کنم متوجه شده ایم که روحی در میان نیست تا بگوییم روحش شاد. حال پرسش من این است روان چیست و کجاست و آیا روان ریشه علمی دارد؟

خانم مهندس درود به شما. خیر روان هم مانند روح وجود ندارد و سخن شما کاملاً درست است. انسان ها فقط جان دارند تا هنگامی که زنده هستند و با ایستادن قلب انسان جان را از دست می دهد و می میرد، لذا پس از مرگ انسان دیگر جان ندارد، روح و روان هم که هیچ گاه نداشته است در اصل از انسان پس از مرگ جز جسدی که بزودی فاسد و جذب خاک زمین می شود و جز نامی بد یا نیک از کسی باقی نمی ماند و بهترین شعاری که برای یک درگذشته می توان استفاده کرد، گفتن یا نوشتن، زنده یاد، زنده نام، جاوید نام، یاد و نامش جاودان باد، و مانند این ها می باشد. سپاس از شما که از ایران عزیز، با ما تماس گرفتید.

در باور شما مسیحیت یک سر چشمه نیکی برای تمامی بشریت است، شما معتقدید که آموزش های مسیح درباره فضیلت، عشق، مهربانی، از خودگذشتگی بهتر از آموزش هر آموزگاری در جهان است. شما باور دارید که کتاب مقدس در معنی عمیق ترین کتابی است که تا به حال نوشته شده که بدون شک باید کلام آسمانی باشد.

به نظر من هیچکدام این باورها درست نیست. با توجه به مطالب نوشته شده در انجیل واقعاً حیرت انگیز است که باور داشته باشیم این یک کتاب راهنمای کامل و بدون نقض اخلاقی است آیا واقعاً پدران و مادران باید به اندرزهای خدا در این کتاب در مورد فرزندان خود عمل کنند؟ به چند نمونه از اندرزهای خدا در این کتاب نگاه می کنیم و از خود می پرسیم آیا این ها کلام خدا است و باید به کار برد.

■ کسی که چوب را باز دارد از پسر خویش (یعنی پسرش را با چوب نزند) نفرت می کند، اما کسی که او را دوست می دارد او را به سعی تمام تادیب می کند (پسر را می زند) - (در کتاب امثال سلیمان نبی باب سیزدهم (۲۶-۲۵) - از طفل خود تادیب را بازمدار که اگر او را با چوب بزنی نخواهد مرد. (در همان کتاب باب بیست و سوم ۱۴-۱۳) به این آیه پر از مهربانی نگاه کنید!

اگر فرزندان شما تا به آن حد بی شرم و حیاشدند که در روی شما بایستند باید هر آینه کشته شوند (سفر خروج باب بیست و یکم- ۱۶) و تکرار شده در (سفر لایوان- سفر تثبیه- انجیل مرقس و انجیل متی) ما هم چنین باید کافران، زناکاران، هم جنس بازان، کسانی که روز شنبه کار می کنند، بت پرستان، جادوگران و جنایتکاران را سنگسار کنیم.

ادامه دارد

اسلام نه تنها مردم ما را فقیر و فراری از کشور کرد، نام ایران ما کشوری آبرومند با تاریخ و تمدنی پر آوازه را به لیست کشورهای تروریست پرور اضافه کرد. متمدن های باستانی که از برکت سر اسلام به تروریست ملقب گشتیم.

در خاورمیانه دانش آموزان را تنبیه می کنند که خوب بنویسند و در بزرگسالی آن ها را به جرم خوب نوشتن قلم هایشان را می شکنند و حتی اعدام شان هم می کنند!
منسوب به خسرو قشقایی؟

شاه اسماعیل صفوی از ایران یک چاه مستراح ساخت که بوی گندش هرگز از ایران نرفت. صفویه با آوردن شیعه و قاجارهای ترک تبار با گرایشات شدید مذهبی که دامنه آن به حکومت پهلوی ها کشیده شده بود چنان تیشه ای به ریشه فرهنگ ما زدند که موجب شد تا این درخت که پنجاه سال در زمان آخوندها کاملاً به پژمردگی در حال مرگ بیفتد.

دکتر روزبهانی

دکتر حسن - روشنگر

و انسان خدا را آفرید

«برگ های کم و کوچک بیداری اجازه نمی دهد تمام مطالب خواندنی و جالب این کتاب را در اینجا درج کنیم به ناچار خلاصه و چکیده ای از آن را ارائه می دهیم.»

سومری ها قوه تخیل و تصور قوی داشتند. در افسانه های آن ها وقتی خدایان از شخم زدن و حفر نهرهای آبیاری خسته شدند، یکی از خدایان از خاک رس موجودی ساخت و خدای مادر به او حیات بخشید و بدین سان انسان بوجود آمد! و کارکنان شهر را به او واگذار کردند. این داستان به یونان و مصر راه پیدا کرد و یهود در دوران اسارت در بابل از این داستان بهره برد که بعداً در مذاهب ابراهیمی پایه خلقت انسان شد.

خدا در مصر - در مصر بین خدایان متعدد مبارزه وجود داشت، خدایان در مصر در کارهای زراعی بسیار یاور و کمک رسان مردمان بودند. خدایان مصر مانند انسان ها نیاز به خورد و خواب و موسیقی داشتند، به مسافرت می رفتند که در مدت مسافرت کارها تعطیل می شد. کاهنان مصری نمایندگان خدایان بودند و برای بهبود کار و رفع بیماری در برابر نذورات از خدای خود درخواست شفای بیمار می کردند. قدرت کاهنان بسیار زیاد بود و با فرعون رابطه نزدیک و اشتراک مصالح! داشتند. ۱۴ قرن پیش از میلاد مسیح فرعون به نام «امن هوتپ» خود را فدای آفتاب و تنها خدا خواند و پرستش خدایان دیگر همه را ممنوع و همه معابد را به نام خود کرد. او در جوانی مرد و کاهنان بلافاصله خدایان پیشین را زنده کردند. مصری ها به دنیای پس از مرگ باور داشتند و پس از دفن مرده سوراخی بالای مزارش می گذاشتند تا روح بتواند با جسم رفت و آمد کند.

خدای یونان - یونان مورد حمله های بسیار و ورود افکار و باورهای گوناگون بوده است کشوری کوهستانی که بیشتر راه دریا و تجارت را پیش می گرفتند و با ستارگان برای راهنمایی دریانوردی آشنایی داشتند و نام های بسیاری از ستارگان مانند مریخ، عطارد، کیوان و زهره را آن ها بر ستارگان گذاشته اند. دانش تعبیر خواب داشتند که راهنمای زندگی آنها بود. شاعران بزرگ یونان مانند هومر با اشعار زیبایی در وصف ۱۲ خدای زن و مرد گفته اند. خدایان یونان ترسناک نبودند مانند پدر و مادر روی کوه آلپ نشسته و برای بهبود مردمان کوشش می کردند. یونان پس از روم نخستین کشوری بود که مسیحیت را پذیرفت.

خدایان روم باستان - کار خدایان رومی ساده و مشخص بود. نزدیک ۱۲ خدا مسئول کشاورزی تا تربیت خانواده بودند. خدایان صفات انسانی داشتند، همسر می گرفتند و فرزند داشتند. با توسعه دانش و آشنایی با

خدایان ملل دیگر بازار همه خدایان رومی سرد شد و امپراطور در صدد پیدا کردن خدایی مهم برآمد و سرانجام خود را فدای ناحیه ای خواند و معابد را به نام خود کرد. میترا (مهر پرستی) که از آیین زرتشت به اروپا رفته بود گسترش یافته بود. معبد میترا در روم از قرن دوم تا پنجم حدود ۴۰۰ سال برقرار بود. جشن زاد روز میترا در روز ۲۵ سپتامبر هر سال برپا می شد. پس از پذیرش مسیحیت میترا فراموش گردید اما روز تولد او را روز تولد عیسا قرار دادند. مراسم عشاء ربانی، تولد از مادر باکره، داوری در روز جزا از میترائیسیم به عیسویت رسید. **دنباله دارد**

توضیح و تصحیح

در شماره پیش، صفحه ۱۰ در پایان مقاله «و انسان خدا را آفرید» آمده بود «عدد صفر ابداع هندی ها است». آقای قاسم بیگ زاده ویراستار کتاب و مدیر کتابفروشی پارس لس آنجلس تلفن کردند که عدد صفر بدست هندی های هندوستان بوجود نیامده است بلکه بدست INDIAN های «پرو» کشوری در آمریکای جنوبی که یکی از قدیمی ترین امپراطوری های جهان را داشته ابداع شده است.

با سپاس از توضیح آقای بیگ زاده که ایشان هم مانند سایر کتابفروشی های ایرانی هر ماه بیداری ها را در اختیار مشتریان و هم میهنان مشتاق می گذارد. از موقعیت بهره بگیرم و از هم میهنان گرامی درخواست کنم کتابفروشی های ایرانی را با خرید کتاب پشتیبانی کنید که این صنف سخت ترین روزهای خود را می گذراند، آن ها حق بزرگی به گردن همه ما ایرانیان به غربت آمده داشته اند آن ها مرکز اتصال و اتکاء ایرانیان با فرهنگ مادری بوده اند. حرفه ای با کم ترین سود مادی که در حال از دست رفتن است.

جنگ افغانستان

جنگ افغانستان و اشغال افغانستان بوسیله کشورهای غربی - و سرانجام تحویل افغانستان به دست طالبان نشان داد که در دنیا نه کمک های بشر دوستانه وجود دارد، نه سازمان ملل، نه کشورهای دوست و همسایه، نه یونسکو، نه یونیسف و نه انسان و انسانیت.

ملت های ضعیف ول معطل اند.

بهراد پارسی

مسعود نقره کار

مسلمان ها باید افتخار کنند

هدیان های مقدس

تنها خمینی نیست که در کتاب تحریر الوسیله شرح مفصلی از داستان شرم آور «تفخیز» عمل سکس با بچه شیرخواره را نوشته است. تا آنجا که توانستیم جستجو کنیم فعلاً فتوای ۱۶ تن از علما و مراجع شیعه را که برای رفع شهوت مردان مریض جنسی مسلمان جایز دانسته اند پیدا کردیم که ابتدا فتوای مشترک این آقایان عظام اسلام و سپس نام آن ها را می نویسیم که تا نوه ها و نتیجه ها و نبیره ها و ندیده هایشان ببینند و افتخار کنند به اجداد آلوده فکر خود.

پانزده آیت الله زیر همه فتوای تفخیز را در رساله های خود نوشته اند بدون کوچکترین شرم و حیایی. اگر چه ما شرم داریم از نوشتن آن، اما به خاطر رسوا کردن این طایفه آن را درج می کنیم. «لایحوز و طء الزوجه قبل اکمال تسع سنین، دواما کان النکاح اومقطعاً و اما سائر الاستمتاع کاللمس بشهوة و الضم. فلا بأسن بها حتی فی الرضیعه!». نزدیکی با زوجه قبل از تمام شدن ۹ سال او جایز نیست! چه ازدواج دائمی باشد چه موقت (عجب، پس دختر زیر ۹ سال را هم می شود صیغه کرد این یکی را نمی دانستیم) اما سایر لذت ها مانند لمس نمودن با شهوت، بغل گرفتن و تفخیز «لای پای» حتی در شیرخواره مشکلی ندارد! منابع و آیت الهی های باورمند و ارائه دهنده به مقلدین خود این نائسان ها می باشند.

۱- تحریر الوسیله، آیت الله خمینی ۲- هدایه العباد، آیت الله گلپایگانی
 ۳- هدایت العباد، آیت اله لطف اله صافی ۴- منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی ۵- کتاب النکاح، آیت اله خویی ۶- العروه الوثقی، آیت الله یزدی ۷- العروه الوثقی، آیت الله محمد صادق روحانی- ۸ مستمسک العروه، آیت الله سید محسن حکیم ۹- شرح العروه الوثقی- نکاح آیت الله محمد خویی ۱۰- منهاج المومنین، آیت الله مرعشی ۱۱- مهذب الاحکام، آیت الله عبدالعلی سبزواری ۱۲- تفصیل الشعریه، آیت الله فاضل لنکرانی ۱۳- الوجیز فی الفقه، آیت الله محمد تقی مدرسی وسیله النجاه، آیت الله ابوالحسن موسوی اصفهانی ۱۵- مدارک العروه، آیت الله علی پناه اشتهاردی. چه مغزهایی در کله پوک این افراد بوده که برای ایران و ایرانی آبرو باقی نگذاشتند.

سارا دختری که به ظاهر کم عقل ولی عاقلتر از هر کسی که همه مقدسات را به چالش و پرسش گرفته است موهای بلند طلایی اش را از پشت جمع می کند و روی سینه اش می ریزد می گوید: به همه مردان گذرگوزن ها گفته ام من نازا هستم. آن ها عاشق من هستند، پیر و جوان، نزدیکتر می شود و ادامه می دهد مردان و نران گذرگوزن ها می دانند من از هر وابستگی و اسارت مالی و دنیوی آزادم. نه ترس از گذشته و نه هراس از آینده دارم و خوب می دانم که حوادث با حساب و کتاب رخ نمی دهند، حوادث حادثه هستند و اتفاقی. به این نران و مردان گفته ام من فقط به خودم اعتماد می کنم، چشم به حمایت و لطف کسی در آسمان و زمین ندوخته ام، شاید به همین خاطر احساس آرامش و قدرت روحی و معنوی می کنم.

صدایش آرام تر می شود. برخلاف شایعاتی که مردم برای هر کسی می سازند من هنوز باکره ام، هنوز مجردم با این که برخی از مردان را دوست دارم شایعه پراکنی کرده اند که ازدواج تامین کننده بهداشت روانی است. من اما از ازدواج بیزارم، بیماری روانی اتفاقاً فرزند زناشویی است، به مردان و زنان گذرگوزن ها نگاه کنید تا درستی حرف من ثابت شود.

سارا این پرسش را از زنان ملاقاتی که به دیدار بیماران خود به تیمارستان آمده اند می پرسد کسی جوابی نمی دهد. با غمزه و تمسخر می گوید: برای انتخاب همسر همسانی شرعی و عرفی ضروری است! هر چه شوهر خواست باید انجام شود! ارضای نیازهای جنسی از همه مهم تر است! یعنی زن باید چاهک منی مرد شود و کلفت شرعی او، آن هم با خوشرویی و خوش رفتاری!

من آن مرد را دوست دارم که گفته است:

عشق رویاست و ازدواج واقعیت. اکثر مردم رویا را با واقعیت یکی می دانند. اشتباه گرفتن واقعیت با رویا مجازات دارد! چهره اش به سرعت رنگ عوض می کند، با گونه های گلگون و خشمگین فریاد می زند، این منصفانه نیست، ما زن ها انسان را آفریدیم، برای حفظ فرزندان خود خدا را آفریدیم، ما نگهبان آتش بودیم، رویش باغ ها و رشد کشاورزی بودیم، ما ریسندگی و بافندگی را به عهده گرفتیم و باعث اختراع چرخ های ریسندگی که به چرخ های دیگر تبدیل شده بودیم، ما عشق را آفریدیم. این انصاف نیست که با ما به عدالت و مهر رفتار نمی کنند. ری (رضا) خودش را پیش می کشد و وارد ماجرا می کند تا او را آرام کند.

ادامه دارد

و همه چیز از آنجا خراب شد که خداوند هوس نویسندگی کرد و سه جلد کتاب نوشت. و معنی کتاب ها را هم کسی نمی دانست قاعده ای به نام مفسر کتاب آسمانی را به میل خود تفسیر کردند. کتاب هایی باکلی غلط های فاحش علمی و ضد و نقیض.

میرزا آقا خان کرمانی

جوانان عاصی

شاهین فاتحی

شاهین فاتحی، جوانی که در اثر انقلاب ایران، آینده و رویاهای خود را باخت و سال هاست دور از میهن و خانواده و بستگانش آواره ی گرد جهان گردیده بی رحمانه و عصبانی با شلاق قلم بر تمامی کسانی که انقلاب ایران را راه انداختند، پشتیبانی کردند و آن ها که گوشه گرفتند و به زندگی و راحتی خود پرداختند می تازد و می گوید.

او از بی تفاوتی ملتی که روزی انقلابی شده بود و اینک سکوت اختیار کرده سخت عاصی و شاکمی است. از این شماره تکه هایی از فریادهای عصبانی او را در بیداری به گوش همگان می رسانیم.

شاهین فاتحی

سال نو را تبریک نمی گویم

سال جدید هم مانند تمامی این سال ها سالی نامبارک خواهد بود. هزاران سال است با یک خودفریبی سال جدید را سالی پر از بهروزی برای همدیگر آرزو می کنیم. آیا خودمان برای بدست آوردن این بهروزی تلاشی می کنیم؟ ۹۰ میلیون ایرانی در هر سال نو آرزوی سالی بهتر و رهایی از دست جمهوری اسلامی می کند ولی میان این ۹۰ میلیون ۹ نفر را پیدا نکردیم که برای سالی بهتر و رهایی ملت از دست جمهوری اسلامی از خود گذشتهگی نشان بدهند و جمع شان پس از چند روز و چند ماه متلاشی نشود.

من سال نو را به هیچ کس تبریک نمی گویم چون می دانم سالی به مراتب بدتر از سال پیش خواهد بود. این را تجربه به من می گوید که متاسفانه هر سال دریغ از پارسال شده است و هر کسی فقط به فکر خویش است و در آرزو کردن هایشان هم صداقتی وجود ندارد.

نوشته هایی متفاوت با هر آنچه خوانده اید

دوام کارهای ما چقدر است؟ فاصله ی (عاشقتم، برات می میرم، نباشی خودکشی می کنم) با (ازت متنفرم، ایکاش می مردم اما تورو نمی دیدم، امیدوارم بری زیرگل) فقط یک هفته است!

فاصله ی اعلیحضرت ظل الله تا احمدشاه عاشق لبو فروشی در غربت چند روز بود.

فاصله ی شادی خیلی ها از دست رضا خان تا آرامش محمد رضاشاه فقط دو روز بود.

فاصله ی مرگ برشاه و درود بر مصدق فقط یک نصف روز بود.

فاصله مرگ برشاه و درود بر خمینی هم زیاد طول نکشید.

می خواهم بپرسم ملتی که در گذشته با یک غوره سردی اش می کرد و با یک مویز گرمی چطور شده که ۴۳ سال است خفت و خواری را تحمل کرده و به جز چند تا جوان بقیه صدایشان در نمی آید، در بیرون از کشور که هیچ، کسی دیگر ایرانی نیست همه خارجی شده اند و بسیاری هم که فقط با مستراح بیت رهبری در تماس هستند و خبرهای مهم بیرون را به پیشگاه آن چلاق شده تقدیم می کنند.

چرا وسعت دید و غرور ما این قدر کوچک و حقیر شده است.

من در طول تاریخ هرگز شخصیت نداشتم اما همیشه آبرومند بودم. شخصیت چیزی است که جوهره وجود واقعی من است، اما آبرو، تصورات دیگران در مورد من است. من همیشه ی تاریخ فقط به فکر آبرو بودم و آن را با هر ترفندی تهیه کردم و به خودم الصاق کردم و هیچگاه نخواستم بفهمم این آبرو الصاقی است و جزو جوهره من نیست.

لطفاً بیایید به شخصیت خود ارتقاء دهیم پیش از اهمیت دادن به آبروی خود. ما برای آبرو که تصورات دیگران نسبت ما است به خود فریبی و دیگران فریبی رسیده ایم. و این دلیلی برای همه شکست های ما است. ما هیچگاه خودمان نیستیم.

بزرگترین خیانت برخی نیاکان ما این بود که بدست خود آن ها اسلام در جامعه نهادینه شد، نه اعراب.

اعراب تنها دو بیست سال بر ایران حکومت کردند، پس از دو بیست سال، عرب دیگر حاکم ایران نبود (۱۲۰۰ سال

از ۱۴۰۰ سال عرب ها دیگر در ایران نبودند) و این دانشمندان و نویسندگان و شاعران مشهور و عارفان

مفلوک و معلمان مسئول بودند که دست از دین اعراب برنداشتند و آن را در جامعه تقویت و گسترده کردند

(چرا باید به آن ها که فرهنگ عرب را دو دستی نگه داشتند احترام بگذاریم و آن ها را جزو سرمایه های

فرهنگی خود بدانیم).

دکتر روزبهانی

کورش سلیمانی

اگر و مگرهای تورات

■ چرا خداوند خواسته نخستین پیامبر خودش ابراهیم را آزمایش کند؟ اگر او بر همه چیز آگاهی دارد چرا مخلوق خود را خوب نشناخته که مجبور شده است او را با آزمایشی دلهره آور بشناسد؟ چرا به شخصی که از اول مشکوک بوده او را به پیامبری انتخاب کرده؟

■ چرا خداوند برای آزمایش این پیامبر (ابراهیم) به او می گوید سر تنها پسرت (اسحاق) را ببر. اتفاقاً ابراهیم دو پسر داشته و اسحاق تنها پسرش نبوده که گویی خدا از آن هم بی خبر بوده است. ابراهیم از یکی از کنیزهایش به نام هاجر پسری داشته به نام (اسماعیل).

■ ممکن است خدای عادل کنیز را انسان نمی شناسد که فرزندش را آدم حساب کند.

■ آیا خداوند برای آزمایش پیامبری راه دیگری جز کشتن یک نوجوان بیگناه پیدا نکرده است.

■ چرا خداوند ابراهیم را برای کشتن پسرش به بالای کوه بلند می فرستد.

■ البته برای تفسیر این مطالب مفسران تورات هر کدام داستان ها ردیف می کنند. به قول زنده یاد رضا فاضلی خدا عقل خودش نمی رسیده که چطور بنویسد و مفسران باید تفسیر می کردند و می نوشتند

■ در این مورد تفسیر کنندگان محترم تورات می گویند چون ابراهیم خودش از بت پرستانی که فرزندان خود را قربانی می کردند انتقاد می کرده خداوند اینک پیامبر خودش را به قربانی کردن فرزند وامی دارد. اگر کسی فکر می کند این موضوع با عقل سلیم جور در می آید، نگارنده را آگاه فرماید (نگارنده یعنی خود من - کورش سلیمانی)!

در نهایت ابراهیم پس از سه روز به همراه فرزند بی گناهِش اسحاق که از همه جا بی خبر است به قربانگاه می رسد و به غلام هایش می گوید که در پایین کوه منتظر بمانند تا او برای عبادت برود بالای کوه.

نکته اول - ابراهیم به غلامانش دروغ گفته که من برای عبادت به بالای کوه می روم. پیامبر دروغگو!

نکته دوم - ابراهیم نخستین پیامبر خدا، خودش دارای دو غلام بوده و به این شکل پایه گذار برده داری خود پیامبر بوده است.

نکته سوم - خداوند چرا از همان آغاز کار جلوی برده داری را نگرفته که پیامبر بعدی هم برده داری را ادامه داده است.

نکته چهارم - چرا وقتی غلام ها کارد را تا پای کوه در دست ابراهیم دیدند از او نپرسیدند این کارد برای چیست، مگر کسی برای عبادت کاردسلاخی بدست می گیرد.

ماجرا را تا سرکوه تعقیب می کنیم، ابراهیم پیامبر برگزیده خداوند با بی رحمی تمام دست و پای فرزندش اسحاق را می بندد و او را روی هیزم ها می خواباند (پیامبر سنگدل می خواسته پس از کشتن فرزند جسد او را هم بسوزاند)! در این لحظه دو فرشته ظاهر می شوند و از او می خواهند که این کار را نکند و به او می گویند خدا می گوید حالا دانستیم که خدا ترس هستی، چون که پسر یگانه ات را از من دریغ نکردی.

جالب است خداوند تا رسیدن ابراهیم به بالای کوه خودش با او مستقیماً حرف میزد اما هنگامی که می خواسته کارد را به خرخره بچه بکشد دو فرشته می فرستد و فرشته ها پیام خداوند را به پیامبرش می رسانند.

مگر خدا نمی توانسته مثل گذشته خودش با ابراهیم حرف بزند. نکند این دو تا فرشته همان دو غلام بودند که از راه دیگری خود را به بالای کوه رسانده و با ترفندی برای جلوگیری از کشته شدن بچه با پارچه ای که به روی صورت خود انداخته بودند، خود را فرشته معرفی کرده اند. ما که از کار این خدا سر در نمی آوریم!

ارامنه

ارمنی های هم میهن ما یکی از میهن پرست ترین ایرانیان مسیحی در کشور ما بودند و هنوز هستند. آن ها بیشترین تعداد از اقلیت های مذهبی بودند که در جنگ ایران و عراق شرکت داشتند و در راه حفظ مرزهای ایران جان ها باختند. یک جوان ارمنی ایرانی یا ایرانی ارمنی که هر کدام درست است نامه ای نوشته و در اینترنت پخش کرده است. نامه شنیدنی این جوان ارمنی را با هم بخوانیم و به ایراندوستی آنان غبطه بخوریم.

«من ایرانی ام و ارمنستانی نیستم. برای من ایران مهم تر از هر جایی است حتی ارمنستان. روزی هم اگر جنگی میان ایران و ارمنستان رخ دهد، من برای ایران خواهم جنگید. ارمنستان روزی برای من به اندازه ایران مهم خواهد بود که به آغوش ایران باز گردد. انسان باید نمک پرورده باشد نه نمک به حرام».

وضع ارامنه در زمان جمهوری اسلامی

در فریدون شهر اصفهان هم میهنان ارمنی هم زندگی می کنند و عمده آن ها دامدار می باشند. از آن ها پرسیده بودند این روزها رابطه شما با همشهری های مسلمان چگونه است. پاسخ می دهند بدبختانه لبنیات ما را حلال نمی دانند و نمی خرند اما برای مشروبات مان صف می بندند!

اگر کسی در می گذرد

■ تا انسان زنده است باید به او محبت کرد و به دیدارش رفت. پس از درگذشت او پر کردن سالن چلوکبابی که هنر نیست. دلجویی از شکم خویش است.

■ در مراسم ختمی که در چلوکبابی باشد شرکت کنندگان چند برابر می شوند و گویی مردم از قحطی آمده اند. چایی و شیرینی خالی بدهید جمعیت کمتر از نصف می شود!

■ گرفتن مراسم ختم که امروزه خیلی هم گران تمام می شود آیا باعث ختم و خاتمه ی دردهای نزدیکان از دست رفته می شود؟ یا ایجاد فضایی برای گریه و زاری بیشتر؟

■ آیا پر کردن شکم اغنیا و نه مستمندان بیشتر آرامش می بخشد یا اختصاص دادن همه این هزینه ها به یک امر خیر و یک نیازمند و گرسنه؟ آیا می شود روزی که این سالن ها را پر از شکم های گرسنه و چلوکباب ندیده ببینیم؟

■ در اینگونه مراسم مردم بیشتر برای دیدن دوستان و فامیل و تناول غذا و گذران وقت و کمتر از یک دقیقه گفتن سرسری تسلیت به هنگام ورود و خداحافظی در پایان کار تشریف فرما می شوند، و گرنه دردی از دل عزا داران کم نمی کنند.

■ مراسم ختم را که خرما و حلوا پخش می کنند و غذا می دهند یک سنت مذهبی است و برآگاهان و روشنفکران جامعه است که اینگونه مراسم مذهبی را به مراسم تجلیل و ادای احترام تبدیل کنند که در مجالس تجلیل و ادای احترام خبری از حلوا و خرما و غذا نیست. اجرای مراسم ختم سنتی، آموزشی می شود برای فرزندان و نوه های مان که نسل به نسل این ماجرا ادامه خواهد یافت و احتمال دارد که دوباره پای آخوند و قاری به این مجالس باز شود که هنوز بسیاری آنها را دعوت می کنند.

در فیس بوک جوانی به نام بهرام نوشته است:

اگر به تکنولوژی برسیم که بتوانیم از

آخوند برق تولید کنیم، بعد از ژاپن

دومین کشوری هستیم که از زباله و

آشغال برق تولید می کنیم!!

انسان سازی

خانم از پیرمرد دست فروشی پرسید این دستمال ها چند است؟ فروشنده پاسخ داد هر کدام دو هزار تومان (کمتر از یک پنی). خانم گفت خیلی گران است دانه ای هزار تومان بدهی چند تا می خرم. فروشنده که خودش دستمال ها را چندی پیش دانه ای هزار و پانصد تومان خریده بود و مشابه آن را سایرین سه هزار تومان می فروختند گفت خانم واله ضرر می کنم. خانم پایش را به یک کفش کرده بود و گفت نه من هزار تومن بیشتر نمی خرم. پیرمرد که دو روز بود چیزی نفروخته بود و پول نقد احتیاج داشت که برای فرزندانش نان بخرد وقتی دید مشتری دارد می رود راضی شد به ضرر بفروشد. گفت باشد ضرر می کنم ولی از صبح تا به حال دشت نکرده ام هر چند تا می خواهید بردارید.

خانم که گویی دستمال ها مفت گیرش آمده چند تا خرید و رفت. خانم خودش را به رستورانی بسیار گران قیمت رسانید که با دوستش قرار ملاقات داشت. پس از احوالپرسی به دوستش دستمال های رنگ و وارنگ را نشان داد که توانسته چانه بزند و مفت بخرد. دوستش هم تایید کرد قشنگ است و خیلی ارزان خریده. در همین لحظه گارسون آمد که دستور غذای آن ها را بگیرد.

این دو خانم هر کدام بدون توجه به قیمت غذاها آنچه را میل داشتند به اضافه سالاد و دسر و نوشابه سفارش می دهند که هیچکدام را هم نمی توانند تمام کنند و کلی غذا در بشقاب های شان می ماند که باید به سطل خاکروب ریخته شود.

صاحب رستوران خودش «صورت حساب» آن ها را می آورد و می پرسد از غذای ما راضی بودید، خانم ها هم ضمن اظهار خوشحالی مبلغ زیادی هم به عنوان انعام به مبلغ بیل اضافه می کنند و رستوران را ترک می کنند.

این داستان ممکن است برای صاحب رستوران شیک کاملاً عادی باشد اما برای پیرمرد فروشنده روسری ها که با تهدید اگر ندهی نمی خرم و گرفتن تخفیف از مردی که ناچار است هر چه مشتری بگوید عمل کند کاری است بسیار ناعادلانه و از پستی ذات افراد بی فکر و خودخواه نشان ها دارد.

چرا همیشه هنگام خرید از نیازمندان قدرت نمایی می کنیم اما در برابر کسانی که حتا نیازی هم به سخاوت مندی ما ندارند دست و دل باز می شویم؟!

در هر روستای فرانسه شمعی هست که روشنی می بخشد. نامش «معلم» است و همانجا دهانی هست که بر آن شمع فوت می کند و نامش کشیش می باشد. ویکتور هوگو

آیا این ماجرای خطرناک ربطی به ما دارد یا ندارد؟

مانده از رویه ۱۲

گویی مردم ما به خواب زمستانی رفته اند! به تکه هایی از این داستان خطرناک توجه کرده و گامی برای دفع آن بردارید.

سخنان گهربار آمریکایی ها در کنفرانس مجاهدین خلق

مایک پنس معاون آقای ترامپ - افتخار بزرگی است که در اجلاس ۲۰۲۱ سخنرانی می کنم. این اولین فرصت است بعد از دولت قبلی آمریکا به طور مفصل سخن می گویم! و با قطعیت اعلام می کنم مردم آمریکا با شما هستند. و مقاومت یک آلترناتیو دارد به نام سازمان مجاهدین خلق. مقاومتی که خانم رجوی در راس آن است.

سناتور جوزف لیبرمن - (مستقل)

این جنبش (مجاهدین خلق) راه زیادی را طی کرده است ما اینجا هستیم (برای سخنرانی آمده ایم) به این دلیل که به آرمان شما اعتقاد داریم، این هدف ما هم هست. شما شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین گسترده ترین اپوزیسیون را شکل دادید. در آمریکا و اروپا حمایت مردمی عظیمی از شما وجود دارد. شما پلتفرم دارید، برنامه عملی برای ایران دارید، رهبری که بسیار قوی است، خانم رجوی آرزویی برای آزادی مردم ایران دارد و ما هم در کنار شما هستیم.

مایکل موکینزی - وزیر دادگستری - جمهوری خواه

افتخار بزرگی است که در اینجا (مقابل مجاهدین) سخنرانی کنم، افتخار بزرگی است که در برابر شما هستیم که برای آزادی ایران متعهد هستید. ما برای سرنگون کردن رژیم، آلترناتیو شورای ملی مقاومت به رهبری خانم رجوی را داریم.

سناتور رابرت توریسلی - دمکرات

خیلی خیلی خوشحال هستیم. اگر صدای مرا در شهرها و روستاهای ایران می شنوید بگذارید بگویم یک آلترناتیو وجود دارد آن هم سازمان مجاهدین خلق است. و رهبر آن خانم مریم رجوی است و شما روزی به فرزندان خود خواهید گفت پسر، دخترم مردم ایران زمانی بود که در کنار خانم مریم رجوی قرار گرفته بودند.

ارتشبد جیمز گانوی - جمهوری خواه

چند نکته را باید بگویم - اولین موضوع اشرف سه است، به آن ها درود می گویم. ساکنان اشرف سه و خانم رجوی در قلب من و در قلب مردم ایران هستند (ژنرال از قلب مردم ایران هم باخبر است!)... وقتی جوان بودم گزارشات انقلاب ایران را می شنیدم و میدیدم که یکی از میان جمعیت یکی از نیروهای رژیم شاه را با سلاح کشت، یک گزارشگر آمریکایی گفت کار شاه تمام است او درست می گفت یک هفته بعد شاه سقوط کرد. من می دانم شما در چه موقعیت انقلابی هستید.

تد کروز - سناتور ارشد حزب جمهوری خواه و کاندیدای پیشین ریاست جمهوری آمریکا

گفت: «وقتی در مورد رژیم ایران صحبت می کنیم باید بگویم این رژیم باید سرنگون شود. کروز افزود من از پرزیدنت ترامپ خواستم توافق های دادن پول به رژیم ایران را لغو کند.

سناتور رابرت مندز - جمهوری خواه و رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا هم در کنفرانس مجاهدین گفت: ابراهیم رئیسی به عنوان یک مرید خامنه ای تحت تحریم های حقوق بشر آمریکا است.

پمپئو وزیر خارجه آقای ترامپ

پمپئو که در ماههای گذشته ۲ بار در جلسات مذاکره و سخنرانی مجاهدین خلق شرکت کرد. در آخرین سخنرانی اش گفت، باعث خوش وقتی و افتخار من است که در کنار شما «مجاهدین خلق» هستم. من افتخار می کنم که در سمت درست این مبارزه (اپوزیسیون ایران) قرار گرفته ام. پمپئو در این بخش از جنایات رژیم سخن گفت. ظریف هم نوعی تروریست است که کراوات می زند، نیروهای مقاومت (مجاهدین) در داخل ایران این میهن پرستان شرافتمند تر از همیشه هستند و امید را برای همه کسانی که از آن ها حمایت می کنند فراهم می نمایند. مبارزه را ادامه دهید. خدا شما را در این ماموریت حمایت کند.

داستان ارتباط علنی آمریکایی ها با مجاهدین خلق از دو سال پیش ابتدا با تیم دیگری شروع شد، **جان مک کین - جان بولتن - رودی جولیانی - نیوت گینگریج** - و چند تن دیگر که امروز به ده ها تن از حزب جمهوریخواه و دوسه تن از حزب دمکرات رسیده است. من نمی دانم چرا اقدام چنین بزرگی از سوی آمریکایی ها برای به حکومت رساندن مریم رجوی و مجاهدین در هیچ رسانه ایرانی انعکاس نیافت و ایرانی ها را نگران آینده میهن شان نکرد، امیدوارم خوانندگان بیداری از شنیدن این خبر مهم که بیش از ۶۷ نفر از روسای جمهوری قبلی و فعلی جهان و یا معاونین آنها در آخرین اجلاس مجاهدین سخنرانی کردند و برای آن ها آرزوی پیروزی کردند از خود بپرسند چرا آمریکایی ها با مجاهدینی که چند تن آن ها را در زمان شاه کشته اند چنین نزدیک شده اند آیا در پی آوردن طالبانی دیگر به منطقه و کشور ما میباشند؟ چه کسی فکر می کرد آمریکا طالبان را در افغانستان به حکومت برساند. مگر مردم افغانستان از طالبان نفرت نداشتند، آمریکا خواست و طالبان بر کشور مستولی شد. مردم ایران هم از مجاهدین خلق نفرت داشته باشند برای آمریکا مهم نیست آنها کار خودشان را بلندند چکار کنند.

**مسلمان ها دیانت شان را به عفر مدیونند
و آخوندها حکومت شان را به این حیوان
باربر. م - محمدی**

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

آیا این ماجرای خطرناک ربطی به ما دارد یا ندارد؟

قاعدتاً نوشتن مطلب زیر مطلقاً ربطی به کارنشریه ما ندارد. ولی از آنجا که همه رسانه های فارسی زبان در این باره سکوت اختیار کردند و چشم خود را بر آن بستند ما برای اطلاع ملت ایران از آشی که آمریکائی ها برایشان در حال پختن هستند این صفحه را به این موضوع بسیار مهم اختصاص می دهیم. امیدواریم مورد انتقاد خوانندگان خود قرار نگیریم. نزدیک به دو سال است تعدادی از آمریکایی های سرشناس و همه کاره از احزاب آمریکا به طور منظم و مرتب به سازمان مجاهدین خلق ایران وبه دیدار خانم مریم رجوی می روند و آن ها را برای ایران فردا آماده حکومت می کنند. بهتر است خودتان سخنان گهربار این آقایان آمریکایی را در آخرین گفته هایشان بخوانید و به جای رسانه های ایرانی آن را به دوستان و بستگان و آشنایان برسانید تا فردا کسی نکوید ما که خبر نداشتیم. ما اگر خودمان تمام سخنرانی های آنان را در جلسات مجاهدین ندیده و نشنیده بودیم این ماجرا را باور نمی کردیم ولی عجیب آنجا بود که (من خودم سیاوش لشگری) تمام فیلم ها و سخنرانی ها و حرف ها را برای رسانه ها و دوستان و سرشناسان جامعه فرستادم اما دریغ از گرفتن یک پاسخ و اظهار نظر. مانده در رویه ۱۱

مبارزه با حجاب اجباری و حتا
غیر اجباری و وظیفه نخستین مردان
ایرانی است.
نه زنان ستمدیده از اسلام و خشم
دژخیمان مسلمان.

حجاب اجباری تحقیر و توهین
است به مرد ایرانی.

همه بدبختی های بشر برای این است که
خدایی نیست تا عدالت و نظمی در
زمین برقرار کند.

بهترین راه به دست آوردن بیداری از راه پست است
858-320-0013 bidari2@Hotmail.com

Prst Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
P.O. Box 22777
San Diego CA 92192
U.S.A.